

حق بیمه تکافل (بیمه اسلامی): یک ساختار قانونی پیشنهادی

مترجم: مریم ربی^۱

حق بیمه در قرارداد (عقد) تکافل شکلی از ملاحظات پولی (العواد) i، از طرف اعضاء شرکت کننده (بیمه گذاران) است. این قرارداد تعهدی را بین شرکت کنندگان و مجری (بیمه گر) بوجود می آورد. قرارداد بیمه، قرارداد همکاری دوجانبه است که در آن ملاحظاتی نه تنها از یک طرف بلکه از هر دو طرف قرارداد مورد نیاز است و در آن مجری به طور یک جانبه بوسیله قرارداد مقید می شود. تعهد انجام ملاحظات مربوطه در یک معامله همکاری به صورت دوجانبه، با دستور خداوند تصدیق شده است:

در راه نیکی و پرهیزگاری با یکدیگر تعاون کنید (مائده، ۲).

این آیه قرآن مجید به بشر وظیفه انجام همکاری دوجانبه برپایه تعاون را ارائه می دهد. از این گذشته در یک قرارداد بیمه وقتی که قرارداد منعقد می شود، بیمه گذار به عنوان بدهکار اصلی شناخته می شود و در نتیجه بایستی حق بیمه توافق شده را به بیمه گر بپردازد. در چنین معامله ای بیمه شده وظیفه پرداخت حق بیمه ها را به صورت منظم بر طبق شرایط مقرر شده در بیمه نامه به عهده دارد. این مسئله با سخنان مکرر پیامبر اسلام که در آن بدهکار اصلی مجبور به پرداخت بدهی به موقع است، تأیید می شود. رسول اکرم (ص) می فرماید:

"قرض افراد را بپردازید و همانا بهترین شما کسی است که در پرداخت قرض بهترین باشد." ii

و همچنین:

"ابو هریره روایت کرد که مردی از پیامبر خدا در خصوص ادای قرض پرسید و ایشان فرمودند همانا بهترین شما کسی است که در بازپرداخت قرضش بهترین باشد." iii

یک بیمه نامه قراردادی الزام آور است و در نتیجه اجرای تعهد از جانب طرفین (بیمه گذار و بیمه گر)، از طریق پرداخت حق بیمه از طرف بیمه گذار و پرداخت خسارت از طرف بیمه گر، تعهداتی هستند که بایستی انجام شوند. این موضوع با کلام قرآن مجید تأیید شده است:

ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمانها و قراردادهای وفا کنید (مائده، ۱).

¹ کارشناس امور بیمه ای بیمه ملت

یک بیمه گذار در یک بیمه نامه، همچون بدهکاری است که بر اساس یک الزام قراردادی بایستی حق بیمه توافق شده را بموقع پرداخت کند. عادی است که انسان ممکن است همیشه و بموقع نتواند بدهی اش را به دلیل برخی دلایل غیرمنتظره بپردازد. در چنین شرایطی موقعیت قانونی بیمه گذار و بیمه نامه اش چه می تواند باشد؟ طبق حقوق اسلامی (فقه) اگر بدهکاری به خاطر برخی دلایل منطقی قادر به پرداخت به موقع بدهی اش نباشد، طلبکار بایستی به بدهکار فشار وارد آورد بلکه توصیه شده که طلبکار با رضایت خاطر فرصت بیشتری به بدهکار برای پرداخت قرضش بدهد. پیامبر اسلام (ص) می فرماید:

" کسی که به بدهکار فرصت می دهد و یا از طلب خود در می گذرد، خداوند او را از مصائب روز قیامت در امان نگه می دارد. " iv

همچنین رسول اکرم می فرماید:

" کسی که از دیگری طلبی دارد و به او در بازپرداخت آن فرصت می دهد، پاداش محبتش را هر روز دریافت می کند. " v

از این رو توصیه شده که اگر در بیمه نامه، بعضی مواقع بیمه گذار قادر به پرداخت حق بیمه توافقی در موعد مقرر نیست نه جریمه شود و نه بیمه نامه لغو و حق بیمه های پرداختی ضبط شود. اما بایستی به بیمه گذار فرصت معقول داد تا حق بیمه های پرداخت نشده را بپردازد و اجرای قرارداد بر طبق شرایط و اصول بیمه نامه ادامه یابد.

به هر حال اگر بیمه گذار قادر به پرداخت حق بیمه های پرداخت نشده در طی فرصت داده شده نشود، بیمه نامه ممکن است خاتمه پیدا کند زیرا یک قرارداد، همکاری دوجانبه است. از اینرو هرگاه، یک طرف قرارداد قادر به ادامه همکاری توافقی خود نباشد غیر منصفانه است که طرف دیگر به صورت یک طرفه قرارداد را ادامه بدهد. بنابراین اگر بیمه نامه به دلیل عدم پرداخت حق بیمه توسط بیمه گذار خاتمه یابد، حق بیمه های پرداختی بایستی تصرف شوند بلکه در این حالت ترجیحاً پیشنهاد می شود که حق بیمه های پرداختی با سود حاصله از آنها پس از کسر هزینه ها و دستمزد بیمه گر به بیمه گذار برگشت داده شود. هزینه های بیمه گر نسبت به بیمه گذار بدهی محسوب می شوند و بایستی از هزینه های پرداختی کسر شوند. همان گونه که طبق فرمایش پیامبر اسلام تأیید شده است:

" ابو هريره روايت کرده که رسول خدا فرمود: کسی که ورشکسته شود و سپس طلبکار مالش را تصاحب کند آن مرد نسبت به دیگران بیشتر به گردنش حق دارد. " Vi

همچنین پیشنهاد شده که طبق حقوق اسلامی (فقه)، شرایطی وجود ندارد که بیان کند یک بیمه نامه را بتوان با حق بیمه های پرداختی به تصرف در آورد حتی اگر بیمه گذار مرتکب نقض عهد و پیمان یا هر قانون شکنی دیگری شده باشد. به خاطر اینکه یک قرارداد بیمه، معامله مالی است که در آن حق بیمه های پرداختی حق قانونی بیمه گذار هستند که نمی توان آن را تصرف کرد مگر به دلیل اعمال شرورانه. بیمه گذار ممکن است برای اعمال غیر قانونی اش به روشهای مختلف با قوانین متفاوت مسئول شناخته شود اما نه با تصرف حق بیمه های پرداختی و نه با محروم شدن از حق قانونی اش (حق بیمه پرداختی). حق بیمه های پرداختی به عنوان امانت در نزد بیمه گر باقی می ماند و فقط باید بدهی بیمه گذار باشند. به خاطر اینکه طبق حقوق اسلامی (فقه)، وقتی که امانت گذار از امانتدار تقاضای پس گرفتن امانت را می کند، امانتدار هیچ توجیهی برای پس ندادن موارد امانتی به مالکشان ندارد. vii چرا که خداوند دستور داده است:

همانا خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبان آن برسانید (نساء، ۵۸).

همچنین خداوند به کسانی که در امانت خیانت می کنند، هشدار داده است. خداوند می فرماید:
و از آنهایی که به خود خیانت کردند دفاع مکن زیرا خداوند افراد خیانت پیشه گنهکار را دوست ندارد (نساء، ۱۰۷).

بنابراین پذیرفته شده که طبق حقوق اسلامی (فقه)، تحت هیچ شرایطی نمی توان حق بیمه های پرداختی بیمه گذار را به تصرف در آورد، ولی می توان مبلغی از حق بیمه های پرداختی و سود حاصله را برای پوشش هزینه های بیمه گر کسر کرد.

پرسشی که مطرح می شود این است که چگونه حق بیمه های پرداخت شده به وسیله بیمه گذار باید در نظر گرفته شود؟ آیا حق بیمه ها بایستی به عنوان سرمایه جزئی از یک معامله مالیه مضاربه ای تلقی شود؟ یا به عنوان اهدائی کامل به صندوق خیریه در نظر گرفته شود؟ یا حق بیمه ها به هر دو حساب واریز شود (یعنی بخشی از حق بیمه پرداختی به عنوان سرمایه ای برای معامله تأمین مالی مضاربه ای در نظر گرفته شود و مقدار باقیمانده به صندوق خیریه شرکت به عنوان تبرع دائمی یا اهدائی بخشیده شود)؟ برای حل پرسشهای بالا برخی پیشنهادها می ممکن در ادامه می آیند:

عنوان مقاله: حق بیمه تکافل (بیمه اسلامی): یک ساختار قانونی پیشنهادی

در هر نوع از بیمه نامه زندگی، حق بیمه های پرداختی را می توان به دو قسمت تقسیم کرد: یک بخش را می توان به عنوان سرمایه جزئی بمنظور تأمین مالی مضاربه ای در نظر گرفت، در حالی که قسمت باقیمانده را به عنوان تبرع (اهدایی) در نظر گرفت که در حساب خیریه شرکت (بیمه گر) نگهداری می شود. اینکه چند درصد حق بیمه های پرداختی که به دو حساب جداگانه اختصاص یافته ممکن است به سیاست شرکت بستگی داشته باشد. به این علت است که یک بیمه نامه مبتنی بر اصل تأمین مالی بصورت مضاربه ای است که در آن بیمه گر مسئول پرداخت حق بیمه های مقرر است و در آن بیمه گذار حق دارد بیش از قسمت تخصیص یافته بعنوان سرمایه، سهم سود و سود سهام را به دست آورد، صرف نظر از اینکه آیا ریسک در موضوع بیمه رخ داده یا خیر. اما حساب بستانکار شده در حساب خیریه شرکت به عنوان تبرع (اهدایی) برای ایجاد اطمینان کافی برای ذینفع های متوفی (بیمه گذار) پس از اینکه ریسک غیرمنتظره برای موضوع بیمه ای رخ دهد توسط شرکت (بیمه گر) مورد استفاده قرار خواهد گرفت. دلیل اینکه چرا بخشی از حق بیمه به عنوان تبرع (اهدایی) در نظر گرفته شده، این است که طبق حقوق اسلامی (فقه) تبرع شبیه صدقه یا هبه (هدیه) است. VIII طبیعت تبرع این است که وقتی اهدا کننده چیزی را به عنوان تبرع می بخشد فوراً و بدون هیچ ملاحظه ای مالکیت از اهداکننده به هدیه گیرنده انتقال می یابد. نسفی ذکر می کند که:

" هبه (یا صدقه یا تبرع) فرد دیگری را مالک اموال می کند بدون اینکه از اهداکننده ملاحظاتی را بگیرد. " ix

به هر حال در یک بیمه نامه، زمانی که بیمه گذار مقداری را به عنوان تبرع، برای صندوق خیریه می پردازد، بیمه گذار ممکن است حق مالکیت بر تبرع را که زمانی آن را به عنوان صدقه بدون هیچ ملاحظه ای بخشیده، از دست بدهد. این امر بدین دلیل است که اگر ریسک در موضوع بیمه ای اتفاق بیفتد، بیمه گر در کنار چیزهای دیگر، وظیفه پرداخت بخشی از هبه را از بودجه صندوق خیریه فقط به ذینفعان متوفی (بیمه گذار) دارد و نه به خود بیمه گذار چرا که وی بیمه گذار بوده و نه ذینفع و به وی هبه تعلق نمی گیرد، زیرا افراد ذینفع بعد از دست دادن نان آورشان (بیمه گذار) نیازمند می شوند. بنابراین اگر مقدار ناچیزی خارج از حق بیمه های پرداختی به عنوان تبرع بدون درخواست هیچ مطالبه ای به بیمه گذار بخشیده شود، امکان ندارد که با اصول عمومی تبرع، صدقه یا هبه تضادی پیدا کند.

در یک بیمه نامه متداول* (امروزه به وسیله شرکتهای اسلامی دایر شده) X بیمه گذار حق بیمه ای را به صورت کوتاه مدت می پردازد که در آن هم بیمه گر و هم بیمه شده به طور دوجانبه توافق می کنند که حق بیمه پرداختی در بیمه نامه، شبیه حق بیمه برای صندوقی باشد که برای جبران خسارت معقول در برابر یک حادثه غیرمنتظره برای یک موضوع قرارداد، استفاده می شود. به هر حال، اگر ریسک برای موضوع بیمه رخ دهد، صندوق غرامت (تاوان)

* General Policy

لازم را می پردازد اما اگر ریسک برای موضوع بیمه رخ ندهد، حق بیمه پرداختی در صندوق به عنوان یک حق بیمه باقی می ماند. اما به خاطر خسارتهای اتفاق نیفتاده، بیمه گر به محض پایان اعتبار بیمه نامه، مقداری از سود را طبق سیاست شرکت برای بیمه گذار در نظر می گیرد.

با در نظر گرفتن یک بیمه نامه متداول، اظهار می شود که حق بیمه های پرداختی در بیمه نامه متداول به صورت کوتاه مدت شبیه حق بیمه (اما نه یک هبه، یک هدیه و نه یک صدقه) در صندوق تعاونی است که در آن بیمه گذار همچنین به عنوان عضوی از صندوق در نظر گرفته می شود و اعضای برگزیده کسانی هستند که حق پیگیری امنیت کافی را در برابر یک خطر غیر منتظره در صورتی که حادثه برای موضوع بیمه نامه رخ دهد، دارند. اگر به عنوان مثال، حق بیمه پرداختی در بیمه نامه متداول به عنوان تبرع و نیز صدقه یا هبه در نظر گرفته شود، به جای اینکه به عنوان یک حق بیمه (مساهمه) شناخته شود، این امر مطمئناً تضادی بین اصول تبرع، صدقه و هبه و بیمه متداول از منظر اصول شریعت به وجود می آورد. دلایل این تضاد به شرح ذیل است:

الف - اصولاً شرایط تبرع، صدقه و هبه در اصل تبادل پذیر هستند و مفهوم مشترکی از هبه را به همراه دارند. xi در مقابل، عبارت مساهمه (حق بیمه) xii لزوماً نیازی نیست که معنای هبه را در برداشته باشد. این امر بدین دلیل است که وقتی فردی تبرع، صدقه یا هبه را انجام می دهد، این امور به خاطر کسی یا چیزی برای محبت یا برای پاداش معنوی بدون هیچ چشمداشتی انجام شده اند. xiii یعنی اینکه وقتی اهداکننده سه مورد فوق را انجام می دهد، بی درنگ مالکیت مال اهدا شده از اهداکننده به اهدا شونده منتقل می شود. xiv در این شرایط، مالکیت به طور دائمی و همیشگی انتقال یافته، و طبیعی است که اهداکننده هر نوع حق سود برمالی را پس از بخشیدن از دست بدهد.

طبق حقوق اسلامی (فقه)، برای اهدا کننده غیر شرعی است که هر گونه سود مالی را که بخشیده، طلب کند. این موضوع را رسول اکرم (ص) مکرر بیان کرده اند:

"ابن عباس (رض) روایت کرده که رسول الله (ص) فرمود: کسی که هبه اش را پس می گیرد همچون سگی است که هرچه می خورد بر می گرداند. هیچ تمثیل شیرینانه ای برای ما (غیر از این) وجود ندارد" xv

"ابن عمر (رض) و ابن عباس (رض) روایت کرده اند که رسول اکرم (ص) فرمود: شرعی نیست که فردی چیزی را هبه کند و سپس آن را پس بگیرد، به جزء پدر به آنچه به فرزندش می دهد. حکایت کسی که چیزی را هبه می کند و سپس آن را پس می گیرد شبیه سگی است که می خورد تا وقتی که سیر می شود و سپس هر آنچه را که خورده است فراغ می کند." xvi

ولی در مساهمه (حق بیمه) هنگامی که حق بیمه به وسیله شخصی پرداخت می شود، لزوماً نیاز نیست که به نفع شخص دیگری باشد اما می تواند همچنین به نفع خود پرداخت کننده حق بیمه باشد. علاوه بر این، ماهیت حق بیمه از ماهیت واقعی هبه دور است. به عبارت دیگر، در مورد حق بیمه، پرداخت کننده حق بیمه، حق سود بردن از صندوق حق بیمه را از دست نمی دهد و حتی حق دارد مبلغ اهدایی را پس از واریز به صندوق با هدف دستیابی به سود برای اهدا کنندگان در آینده فسخ نماید، مگر آنکه حق بیمه به عنوان صدقه داده شده باشد. به عنوان مثال؛ اشخاصی که حق بیمه ای را برای یک صندوق تعاونی به منظور دستیابی به سود در آینده برای خود، پرداخت می کنند، در صورتی از این حق برخوردار می شوند که از صندوق کمک متقابل بگیرند. این امر با سفارش قرآن تأیید می شود که در آن خداوند به مؤمنان همکاری دو جانبه را توصیه می کند که ممکن است شامل همکاری به مفهوم حق بیمه های داوطلبانه باشد. خداوند در نتیجه چنین می فرماید:

همواره در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری ننمائید (مائده، ۲).

ب - در یک بیمه نامه متداول هم بیمه گر و هم بیمه گذار متقابلاً توافق می کنند که بیمه گذار حق بیمه توافقی را به بیمه گر در ازای پوشش غرامت منطقی در آینده در مقابل خطری که برای موضوع بیمه ای در طول دوره قرارداد، اتفاق می افتد را بپردازد. اما اگر ریسک رخ ندهد بیمه گذار ممکن است حق داشته باشد پس از پایان اعتبار قرارداد، از بیمه گر ادعای "تخفیف عدم خسارت" * نماید. xvii اگرچه، ما حق بیمه پرداخت شده را به عنوان اهدایی (تبرع) در نظر گرفتیم، که طبق حقوق اسلامی نمی توان آن را فسخ کرد و اهدا کننده نیز نمی تواند هیچ سودی را از چیزی که یک بار بخشیده، طلب کند، چرا که به طور حتم با اصول بنیادی تبرع، و روشهای بیمه ای (به ویژه اگر حق بیمه به عنوان تبرع در نظر گرفته شود) سازگاری ندارد. این امر بدین خاطر است که بیمه گذار عملاً حق مطالبه در حق بیمه پرداختی را با وجود این حقیقت که حق بیمه اصولاً به عنوان تبرع شناخته شده، حفظ می کند. اما اگر ما به حق بیمه به عنوان مساهمه نگاه کنیم، ممکن نیست که تضادی بین اصول بنیادی اسلام و روال بیمه ای به وجود آید، زیرا در یک صندوق سهام (صندوق حق بیمه) سهامدار حق ادعا کردن یا سود گرفتن را دارد. بنابراین، در بیمه نامه متداول اگر یک بیمه گذار پوششی را و یا "تخفیف عدم خسارت" را به خاطر حق بیمه پرداختی، از زمانی که حق بیمه ای که به عنوان مساهمه شناخته شده، مدعی شود، این امر با اصول شریعت تضادی ندارد.

یک تفاوت دیگر تبرع و مساهمه در جدول ذیل آمده است:

No Claim Bonus *

مقایسه تبرع و مساهمه	
اهدایی (تبرع)	حق بیمه (مساهمه)
در مفهوم شرعی کاملاً شبیه صدقه و هبه است	مفهوم آن با صدقه و هبه و البته تبرع فرق می کند
پس از بخشیدن هدیه حق مالکیت فوراً از اهدا کننده به هدیه گیرنده منتقل می شود	حق مالکیت بیمه گذار در مساهمه به بیمه گر واگذار نمی شود
اهدای کننده نمی تواند هیچ سودی را برای خود حفظ کند بلکه سود و منافع را به دیگران واگذار می کند	بیمه گذار ممکن است سودی را برای خود در مساهمه حفظ کند و لزوماً سود به نفع دیگران نخواهد بود بلکه می تواند خود نیز ذینفع باشد
اهدای از روی مهر و عطوفت و به خاطر پاداش معنوی به وجود می آید	معمولاً به خاطر سود و منفعت مادی برای خود بیمه گذار و هم افراد وابسته به آن مثل تبرع به وجود آمده است.

بنابراین گفته می شود که تبرع با مساهمه هم در اصول و هم در عمل فرق می کند. مالی به عنوان تبرع به خاطر سود مادی بخشیده نمی شود. اما برای هبه کننده اساساً به ملاحظه سود معنوی است، در حالی که در مساهمه، بیمه گذار معمولاً به انگیزه سود مادی مجاز، حق بیمه می پردازد. از آنجا که ماهیت بیمه نامه این است که بیمه گذار حق بیمه را به طور اختیاری به خاطر سود مادی و نه سود معنوی یا پاداش می پردازد، این امر از این نکته پیروی می کند که حق بیمه پرداختی توسط بیمه گذار در بیمه نامه به عنوان مساهمه در نظر گرفته شده و نه به عنوان تبرع.

با تکیه بر دیدگاههای منطقی، مستند و قانونی و همچنین به صورت عملی، پیشنهاد می شود که در یک بیمه نامه متداول، بیمه گر نیازمند دریافت حق بیمه توسط بیمه گذار است که بایستی به آن به عنوان مساهمه به جای تبرع اشاره شود. در نتیجه روش های بیمه ای با اشاره خاص به حق بیمه در یک بیمه نامه متداول نمی تواند اصول مربوط به شریعت را نقض کند و در همان زمان بیمه گذار می تواند مدعی حق بیمه های پرداختی به شیوه ای شرعی باشد xviii.

طبق حقوق اسلامی، اساساً چهار طبقه بیمه گذار (مطابق با شرایط سنی آنها) وجود دارد. در بین این چهار طبقه، کسانی هستند که گرچه صلاحیت بیمه گذار بودن را دارند، اما به دلیل نداشتن قوه ادراک و عدم بلوغ، نمی توانند برای خود بیمه نامه بخرند، اما قییم آنها می تواند بیمه نامه را برای صغیر، طفل و جنین به نام آنها و صرفاً به خاطر

سودشان بخرد. پرسشی که ممکن است اینجا مطرح شود این است که منابع حق بیمه چه خواهد بود؟ چه کسی می تواند آن را پردازد و آیا حق بیمه تحت کدام یک از عناوین سرمایه، هدیه یا هبه در نظر گرفته می شود؟ جواب پرسشهای مذکور به شرح ذیل پیشنهاد می شود:

الف - یک شخص که به سن پانزده سالگی می رسد XIX، صرف نظر از جنسیتش، بالغ (رشید) در نظر گرفته می شود XX و حق دارد اموالش را با اراده خود و بدون مداخله قیم نگهداری و مدیریت کند. XXI این نکته در قرآن مجید چنین تأیید شده است:

ویتیمان را چون به حد بلوغ برسند بیازمایید اگر در آنها رشد کافی یافتید اموالشان را به آنها بدهید (نساء، ۶).

در یک بیمه نامه، زمانی که صغیری صرف نظر از جنسیتش، به سن پانزده سال می رسد، حق دارد بیمه نامه ای را با پرداخت حق بیمه از اموال خود خریداری کند. زیرا که او توانایی مدیریت اموال خود را دارد و به قیم نیازی ندارد. در این مورد حق بیمه به عنوان مال بیمه گذار است که توسط خود بیمه گذار پرداخت می شود.

ب - یک صغیر در هر سنی زیر پانزده سال (صرف نظر از جنسیت) می تواند بیمه نامه ای را برای خودش بخرد مشروط بر آنکه بیمه نامه برای وی سودمند باشد. در این حالت او باید فهم کاملی در مورد بیمه نامه داشته باشد و البته قیم نیز باید به گونه ای کامل بر بیمه نامه نظارت کند، تا صغیر از هر گونه فریب و تقلب در امان بماند. در این حالت می توان حق بیمه را از مال خود صغیر پرداخت نمود، اما اگر صغیر هیچ مالی نداشته باشد (اگر بخواهد) می تواند حق بیمه را برای بیمه گذار صغیر به نفع خود صغیر از سر مهر و عطوفت پردازد که در آن صورت حق بیمه به عنوان هبه به حساب می آید. این امر بدین دلیل است که طبق حقوق اسلامی، اگر کسی بخواهد هبه ای را به نفع خود طفل صغیر پردازد هیچ ممنوعیتی برایش وجود ندارد. XXii عمر و عثمان (رض) گفته اند که هنگامی که شخصی هبه ای را به نفع خود طفل صغیر می پردازد به محض آنکه اعلام شود معتبر است. XXiii

ج - صغیر یا طفلی (صرف نظر از جنسیت) در هر سنی از زمان تولد تا زیر سن پانزده سال که فهم مناسب و درستی در مورد بیمه نامه ندارد اما بیمه نامه برایش سودمند است، در این حالت قیم صغیر یا طفل می تواند بیمه نامه را به نام خود صغیر یا طفل بخرد که حق بیمه آن را در وهله اول نمی توان از اموال صغیر پرداخت کرد. اما اگر صغیر یا طفل هیچ مالی نداشته باشد، حق بیمه ای را که قیم وی می پردازد، می توان به عنوان هبه به نفع طفل یا صغیر برای سود آنها در نظر گرفت. XXiv

د- به محض اینکه جنین در رحم مادر دارای روح می شود [در چهار ماهگی]، آن جنین حق دارد که بیمه گذار باشد، به ویژه نسبت به خطرهایی که سلامتی اش را به خطر می اندازند. هدف یک بیمه نامه فراهم نمودن امنیت کافی در مقابل خطر غیر منتظره ای است که مال، سلامتی یا

عنوان مقاله: حق بیمه تکافل (بیمه اسلامی): یک ساختار قانونی پیشنهادی

کار فرد را بخطر می اندازد. بنابراین هر شخص زنده ای صرف نظر از سن، حتی یک جنین داخل رحم نیز در معرض خطر قرار دارد. اما ماهیت خطر از شخصی به شخص دیگر بسته به سن و دیگر عوامل می تواند متفاوت باشد. بنابراین غیر منصفانه است که بگوییم یک بیمه نامه ممکن است امنیت افراد بالغ را در مقابل خطرات تامین کند، در حالی که شامل افراد زیر سن بلوغ و حتی یک جنین نیز می شود، اگرچه آنها نیز در معرض خطرهای بسیاری، به ویژه نسبت به سلامتی آنها و خطراتی از این دست، قرار دارند.

در این حالت قیم جنین ممکن است بیمه نامه ای را به نام جنین (نام مادر جنین) خریداری کند، که در این صورت قیم باید حق بیمه را از مال خود بپردازد، چرا که جنین تا زمانی که متولد می شود مالک هیچ مالی نیست. گفته شده که حق بیمه پرداختی به وسیله قیم بایستی به عنوان هبه به نفع خود جنین در نظر گرفته شود، بنابراین جنین را می توان تحت پوشش بیمه نامه قرار داد، به ویژه برای خدمات درمانی چنانچه نیاز شود. طبق حقوق اسلامی برای هبه کردن به نفع کسی از سر مهر و عطوفت هیچ محدودیتی وجود ندارد، و مدتهاست که هیچ ملاحظه ای در این خصوص وجود نداشته است. XXV

نتیجه ای که اینجا گرفته می شود این است که حق بیمه های پرداختی توسط بیمه گذاران در یک قرارداد بیمه عمر می تواند به دو حساب یعنی حساب شخصی و حساب خیریه تقسیم شود. مقدار سپرده شده در حساب شخصی را می توان به عنوان سرمایه بیمه گذار در نظر گرفت و با آن طبق اصول مضاربه و تقسیم سود و زیان رفتار نمود، در حالی که مقدار سپرده شده در حساب خیریه را می توان به عنوان تبرع در نظر گرفت، که در آن بیمه گذار نمی تواند حق سود آنچه را که به سود دیگران بخشیده برای خود نگه دارد. با وجود این در بیمه نامه متداول، حق بیمه پرداختی توسط بیمه گذار نباید به عنوان تبرع (اهدایی) تلقی شود، اما در صورتی که به عنوان مساهمه (حق بیمه) تلقی شود، که در این حالت بیمه گذار می تواند حق ادعای خسارت (اگر ریسک درخصوص موضوع بیمه رخ دهد) را حفظ کند، و همچنین حق ادعای تخفیف عدم خسارت را در زمان پایان اعتبار بیمه نامه دارد (چنانچه ریسک درخصوص موضوع بیمه ای رخ ندهد). این پیشنهاد با اصول بنیادین حقوق اسلامی (فقه)، به ویژه با اصول حاکمه تبرع، صدقه، هبه، مساهمه و تأمین مالیه مضاربه ای و همچنین با هدف اصلی روال بیمه ای طبق مقررات شریعت، تضادی ندارد.

با توجه به موارد فوق الذکر و همچنین مطابق با دستورهای الهی، برای بیمه نامه متداول پیشنهادهای ذیل ارائه می شود:

الف - حق بیمه پرداختی توسط بیمه گذار به شرکت بیمه بایستی به عنوان تبرع، صدقه و هبه در نظر گرفته شود.

ب - حق بیمه را می توان به گونه ای پرداخت کرد که به عنوان مساهمه (حق بیمه) شناخته شود. XXVi

ج - حق بیمه پرداختی می تواند در حسابی که به عنوان صندوق تعاونی خوانده می شود، بستانکار (واریز) شود.
 د - صندوق می تواند دارای سه نوع حساب باشد: اول درصدی که به مدیریت شرکت اختصاص می یابد*، دوم، درصدی که در حساب ویژه نگهداری می شود و فقط می توان از آن برای پرداخت خسارت و غرامت در مقابل خطری که در موضوع بیمه ای رخ می دهد، استفاده کرد، در حالی که بخش سوم، را می توان در حسابی واریز کرد تا جهت "تخفیف عدم خسارت" در زمان پایان اعتبار هر بیمه نامه پرداخت شود. (به بیمه گذاری که در طول دوره بیمه هیچ ادعای خسارتی نکرده باشد پرداخت می شود).

ه - منابع این صندوق می تواند حق بیمه های پرداختی از سوی بیمه گذاران باشد. بنابراین بیمه گذاران را می توان به عنوان اعضای صندوق در نظر گرفت و آنها کسانی هستند که حق ادعا در مقابل خطری که در خصوص موضوع بیمه در طی دوره بیمه نامه رخ می دهد، دارند.

علت در نظر گرفتن حق بیمه به عنوان مساهمه در بیمه نامه متداول به جای تبرع یا صدقه یا هبه این است که تبرع، صدقه یا هبه، به ویژه در مفهوم حقوقی، ماهیتاً مترادف هستند. به عبارت دیگر، وقتی شخصی تبرع یا صدقه یا هبه را به نفع شخصی یا چیزی دیگر انجام می دهد، حق مالکیت فوراً و به طور دائمی به طرف مقابل (گیرنده) انتقال می یابد. در این مورد اهداکننده هر نوع دریافت حق سود از اموال بخشیده اش را از دست می دهد. برعکس این سه مورد، مساهمه (حق بیمه) لزوماً به نفع شخص دیگر انجام نمی شود، بلکه حق بیمه می تواند به نفع خود پرداخت کننده پرداخت شود. برای مثال، این مورد هنگامی رخ می دهد که گروهی آماده رفتن به تعطیلات باشد و اعضای گروه موافق پرداخت مقداری پول جهت افزایش یک سرمایه هستند، تا نیاز خود به مراقبتهای پزشکی در طول دوره سفرشان را پوشش دهد. در این حالت، حق بیمه برای منافع عمومی کسانی است که در این سفر بوده اند. بنابراین در بیمه نامه متداول بیمه گذار صرفاً با انگیزه خیر و نیکوکاری مشارکت نمی کند، بلکه در یک توافق دوجانبه با بیمه گر مشارکت می نماید، که به ملاحظه حق بیمه پرداختی، بیمه گذار حق دارد از بیمه گر امنیت کافی و معقول در خصوص خطری که برای موضوع بیمه ای رخ می دهد، درخواست نماید. اما اگر خسارتی رخ ندهد، بیمه گذار هنوز می تواند "حق تخفیف عدم خسارت" در زمان پایان اعتبار در هر بیمه نامه ای را مطالبه نماید.

بنابراین اگر حق بیمه پرداختی در یک بیمه نامه متداول به عنوان تبرع یا صدقه یا هبه در نظر گرفته شود، این امر با اصول بنیادین حقوق اسلامی تضاد پیدا می کند. طبق حقوق اسلامی زمانی که شخصی یک تبرع، صدقه یا هبه را به نفع شخصی یا چیزی اعلام می کند، اهدا کننده حق سود بردن از آنچه را که اهدا کرده از دست می دهد. این امر در حدیث نبوی مورد اشاره قرار گرفته است.

* زیرا این بیمه نامه برعکس بیمه عمر به صورت کوتاه مدت می باشد و در آن شرکت زمان کافی برای جمع آوری حق بیمه های پرداختی و سود حاصله برای مدیریت شرکت ندارد.

"ابن عباس روایت کرد که رسول الله (ص) فرمودند: کسی که هبه را پس می‌گیرد شبیه سگی است که آنچه را استفراغ کرده می‌خورد و هیچ تشبیه زنده‌ای برای ما (غیر از این) وجود ندارد." xxvii

اما اگر حق بیمه پرداختی در بیمه نامه متداول به عنوان مساهمه (حق بیمه)، به جای تبرع، صدقه یا هبه در نظر گرفته شود، در این حالت با مقررات حقوق اسلامی تضادی پیدا نمی‌کند. این امر بدین دلیل است که طبق حقوق اسلامی، هیچ مقرراتی وجود ندارد که بیمه‌گر را در "صندوق حق بیمه تعاونی"ⁱⁱⁱ از مطالبه هر نوع سود از صندوق منع کند. هدف یک صندوق تعاونی ارائه سود یکسان به بیمه‌گذاران است، تا زمانی که سود دریافتی از "صندوق حق بیمه تعاونی" طبق چرخه مشروع باشد. این امر در قرآن مجید تأیید شده است:

همواره در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید (مائده، ۲).

خلاصه کلام اینکه، حق بیمه پرداختی در بیمه نامه متداول را می‌توان به عنوان مساهمه (حق بیمه) در نظر گرفت، که در این صورت بیمه‌گذار هیچ محدودیتی در مطالبه هر گونه سود دوجانبه از صندوق حق بیمه (حق بیمه پرداختی به بیمه‌گر) نخواهد داشت و در نتیجه تأیید شد که بیمه‌گذار در یک صندوق حق بیمه، حق مطالبه هر گونه سودی را برای خود حفظ می‌کند.

منبع:

Ma'sum, Billah, 2005, "Takaful (Islamic insurance) premium: A suggested regulatory framework", International Journal of Islamic financial services Vol. 3. No. 1.

ⁱ See Musa, Mohammad Yusuf, "The Liberty of the individual in Contracts and Conditions According to Islamic Law," in Islamic Quarterly, 2:1.1955, p.252, at 256 and 260.

ⁱⁱ Mishkatul Masabih, (Debt), Karim, al-Haj Maulana, Fazlul, (trans) op.cit., CH. XIII, No. 4, pp.206-207.

ⁱⁱⁱ Mishkatul Masabih, Loc. cit No. 5, p.207.

^{iv} Mishkatul Masabih, (Debt), Karim, al-Haj Maulana, Fazlul, (trans) op.cit., CH. XIII, No. 3, p.206.

^v Mishkatul Masabih, Loc. cit No. 288W, p.214.

^{vi} Mishkatul Masabih, Loc. cit No. 21, p.216.

^{vii} See Hamilton, Charles, The Hedaya, op.cit. Vol. II, p.472.

^{viii} See Al-Hilli, Najm al-Din Abu Jafar, Sharai al-Islam, Beirut, Vol. I, p.253; also in Khan, Muhammad Akram, Glossary of Islamics, See al-Tabarru, p.729.

*Mutual Contributed Fund

^{ix} Al-Nasafi, Abdullahh. Mahmud; Kanz al-Daqaiq, Cairo, n.d., p.352.

^x Among them the takaful operators in Malaysia.

^{xi} See al Hill, Najmuddin Abu Jafar, Sharai al-Islam, op.cit, vol.II, p.253 See also "al-Hibah", "al-Sadagah", and "al-Tabarru", in Khan Muhammad Akram, Glossary of Islamic Economics, op.cit., pp.56, 117, 129; and "Gift", "Donation", and "Charity" in a Dictionary of Economics and Commerce, English-Arabic, op.cit., pp.145, 99 and 52.

^{xii} See 'Contribution' in a Dictionary of Economics and Commerce, English-Arabic, p.70.

^{xiii} Al-Nasafi, Kanz al-Daqaiq, op.cit., p.352.

^{xiv} See Arabi, Oussama, "al-Sanhuri's Reconstruction of the Islamic Law of Contract Defect", in Journal of Islamic Studies, 6:2, 1995, p.153. 169.

^{xv} Mishkatul Masabih, capter of Hibah, (trans) Karim, al-Haj Maulana, Fazlul. op.cit., Book II, No.18, p.316.

^{xvi} Mishkatul Masabih, Loc.cit., No.21, p.318.

^{xvii} This is common practice of the Islamic insurance companies in the contemporary world including the practices of Syarikat Takaful Malaysia Bhd.

^{xviii} See Momameh Abdullah I, "Stipulations for the Benefit of Third Parties in Islamic Law of Contracts", in Journal of Islamic and Comparative Law, Vol.9, 1980, p.7 at 8.

^{xix} It is argued by the majority of Fuqaha that a minor regardless of sex once he reaches to age of 15 is regarded as having rushd (age of majority) see Hamilton, C. The Hedaya, op.cit., vol.III, pp.529-530.

^{xx} See Ali, A. Yusuf, The Meaning of the Holy Quran, op.cit., No.512, p.185.

^{xxi} Because once a person becomes rushd (puberty) he has the right to manage his own property. See The Mejelle Art.981.

^{xxii} See Aurangzeb V Daud Khan (1957) PLD(pesh)85; See also Mohd Aszal V Khursheed Begum, (1975) PLD(pesh)24, 27, 28.

^{xxiii} See al-Sarakhsi, al-Mabsut, op.cit., vol.XII, p.51; See also Ibn Najayn, Bahr al-Raiq, Cairo, 1311 A.H., vol.VII, p.288.

^{xxiv} Mahmasani, al-Nazariyya al-amma li al-mujibat wa al-Uqud Fi Al-Sharia al-Islamiyyah, op.cit., vol.II, p.102.

^{xxv} See A Code of Muslim Personal Law, op.cit, S.183.

^{xxvi} See "contribution" in a Dictionary of Economics & Commerce, English-Arabic, op.cit., p.70.

^{xxvii} Mishkatul Masabih, al-Hibah, Karim (trans.) Op.cit., Book II, No.18, p.316.